

## بررسی نظام مردم‌سالاری دینی در ایران باستان تا قرون اولیه اسلامی

دکتر سید شهاب‌الدین علوی میهن پرست<sup>۱</sup>

### چکیده

در دنیای امروز، که تحولات سیاسی و اجتماعی به سرعت در حال تغییر است، بازتعریف اصول بنیادین حکومت و تعاملات اجتماعی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. یکی از این اصول کلیدی، مفهوم مردم‌سالاری دینی است که به‌عنوان الگویی جامع و متعادل برای اداره امور جامعه مطرح می‌شود. در این نوشتار، تلاش شده تا مبانی کلامی و فلسفی مردم‌سالاری دینی را از دیدگاه امام علی (ع) در نهج‌البلاغه بررسی شود و در راستای آشنایی بیشتر جامعه با اصول عدالت‌محوری، مشروعیت و حقوق مردم، گامی مؤثر برداشته شود. بررسی و مطالعه اسناد تاریخی نشان می‌دهد ایرانیان در دوران تاریخی در امر حکومتداری و اداره کشور به نقش دین بسیار اهمیت داده‌اند. از این رو، در این نوشتار به تحولات تاریخی ایران (پیش از اسلام) و نقش دین در اداره کشور و نظام مردم‌سالاری دینی به‌عنوان یک الگوی متعالی در حکمرانی و رهبری و عدالت‌محوری اهتمام داشته‌اند.

**واژگان کلیدی:** مردم‌سالاری، عدالت‌محوری، نهج‌البلاغه، کلام شیعی، مزدینا. **مقدمه:** بدون شک، نهج‌البلاغه یکی از کامل‌ترین کتاب‌ها پس از قرآن کریم است که می‌تواند راهنمای کاملی برای زندگی انسان در تمام جنبه‌ها باشد و هدایت انسان را در زمینه‌های مختلف به عهده گیرد. همانطور که قرآن کتاب سبک زندگی است، نهج

<sup>۱</sup> - دانش آموخته دکتری کلام اسلامی

البلاغه نیز چنین است و جامعه ما به همان اندازه که به آموزه‌های قرآن نیازمند است، به معارف نهج البلاغه نیز نیاز دارد. یکی از ویژگی‌های برجسته نهج البلاغه، تنوع موضوعاتی است که در آن به چشم می‌خورد. این موضوعات شامل الهیات و ماوراء الطبیعه، سلوک و عبادت، حکومت و عدالت، اهل بیت و خلافت، موعظه و حکمت، فلسفه و کلام و... می‌باشند. موضوع این نوشتار گرچه از جهات مختلف مثل مبانی فلسفی (معرفت‌شناسی، وجود‌شناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، وزیبا‌شناسی) و کلامی و عرفانی قابل بررسی است. ولی فقط جنبه کلامی مورد تأکید است.

### مبانی کلامی مردم‌سالاری دینی

بررسی مبانی کلامی مردم‌سالاری دینی از دیدگاه نهج البلاغه از جهات مختلف دارای اهمیت می‌باشد. منظور از مبانی کلامی (توحید، نبوت، معاد، عدل، امامت) شیعی است. تمام اصول پنج‌گانه ما از نظر کلام شیعی مردم‌سالار هستند. یعنی هم خدای اسلام مردم‌محور است، هم نبوت و امامت مردم‌گراست حتی می‌شود گفت معاد ما به نوعی بی‌توجه به عدالت اجتماعی نیست. چون معاد ما بر پایه عدل الهی (جزا و پاداش) است. عدالت می‌گوید باید توازن در همه بخشها وجود داشته باشد نگاه خداوند به بندگانش این است که آنها را آقا و سرور کند نه خوار و ذلیل و این خود نگاه توحیدی به مردم‌سالاری است. بر خلاف سایر فرق اسلامی درون‌دینی و برون‌دینی، مردم‌سالاری اگر بر پایه مبانی اشاعره باشد قطعاً نا تمام خواهد بود. چون آنها جانب‌نقل و خدا‌مداری را گرفته و آنگاه فقط جنبه ظاهری را پررنگ می‌کنند که این خود باعث نادیده گرفتن عرف و مردم می‌شود و با این شیوه ریشه مردم‌سالاری را تضعیف می‌کنند.

**نگاه توحیدی:** در نگاه توحیدی خدا با مردم گفتگو می‌کند و آنها را قبول دارد. مراد ما از مردم سالاری در مقابل خدا سالاری نیست. یعنی با وجود خدا سالاری مردم نادیده گرفته شوند. نه؟ بلکه در ضمن خدا سالاری مردم سالاری هم نهفته است اگر مردم می‌خواهند مردم سالار بشوند باید در پرتو خدا سالاری این اتفاق بیفتد. لذا قرآن می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا». (فاطر آیه/ ۱۰) و «لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ مُنَافِقُونَ». (آیه/ ۸). اصولاً می‌توان سنت و سیره عملی علی (ع) را ضد انحصار طلبی و دیکتاتوری گروهها و باندها و نوعی مردم سالاری ریشه ای نامید. اصحاب جمل، صفین، و خوارج مستبدانه در صدد حاکمیت انحصاری بر جامعه بودند که علی (ع) آن را ضد مردم سالاری و انحطاط دینی می‌دانست چنانکه حضرت بعد از سقوط دولت عثمان، رهبری جامعه را با مشاهده اقبال گسترده مردمی پذیرفت. و پیش از آن به جد خود را کنار می‌کشید.

**دیدگاه برون دینی سکولار:** در مقابل این دیدگاه توحیدی؛ دیدگاه برون دینی سکولار است که دو نظریه در این باب مطرح است. ۱- نظریه الحادی یعنی ملحدینی چون سارتر، که خدا را قبول ندارند و می‌گویند اگر خدا را برجسته کنیم انسان نابود می‌شود پس باید اصالت را به انسان بدهیم. (اگزستانسیالیسم الحادی)- نظریه خود سکولارها که متأسفانه بیشترین طرفدار را در دنیای غرب دارند در بین شرق (اشاعره، معتزله، سلفیه) که قائل به جدایی خدا و جهان هستی نیستند، ولی چنان جانب عقل یا نقل را می‌گیرند که یا عقل و یا نقل را تضعیف می‌کنند. و در نهایت رقیب اصلی تمام این نظریات شرق و غرب نظریات مولی امیر المؤمنین (ع) در نهج البلاغه است که پاسخ هر سه نظریه فوق

را می‌دهد و در واقع نظریه چهارم از آن امیر المومنین علی (ع) است. یعنی مردم سالاری دینی «کلکم راعٍ و کلکم مسؤول عن رعیتة». همه شما مسئولید و همه شما نسبت به زیر دستانش بازخواست می‌شوید. (ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۸۴).

نگاه خدا، پیامبر (ص)، مولی علی (ع) و اهل بیت (علیهم السلام) بدون شک مردم سالار است. مردم سالاری علوی یعنی همان تحقق خلافت الهی و حاکمیت مستضعفین در زمین که در قرآن کریم آمده است. پس مردم سالاری دینی به مفهوم حاکمیت اکثریت به طور مطلق نیست بلکه تحقق خلافت و وراثت است. «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ». (قصص، آیه ۵/ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم. در این نگاه علوی می‌توانیم جامعه جهانی و مهدوی را بسازیم و اصلاح کنیم برخلاف مردم سالاری ترامپی، داعشی، طالبان، وهابیت ... در نهایت این موضوع میان رشته ای است که رابطه و پیوند دهنده نهج البلاغه و مردم سالاری دینی است.

### پیشینه مطالعات انجام شده

تاریخ شکل‌گیری علم کلام همزمان با ظهور اسلام است. با بررسی قرآن، نهج البلاغه، روایات و تاریخ اسلام می‌توان دریافت که مباحث کلامی از نخستین روزهای اسلام به‌طور گسترده‌ای مطرح بوده است. بخش بزرگی از مباحثات کلامی پیامبر اکرم (ص) با بت پرستان و اهل کتاب درباره توحید، نبوت و معاد در قرآن کریم آمده است و بخش‌های دیگری از آن در کتاب‌ها و تاریخ ثبت شده است. همچنین پیشینه مردم‌سالاری به زمان پیامبر (ص) بازمی‌گردد. بحث دموکراسی در جهان اسلام به مسئله انتصابی یا انتخابی بودن امامت مربوط می‌شود؛ اینکه آیا امامت منصبی انتصابی از سوی

خداوند است یا انتخابی از سوی مردم. شیعه بر این باور است که امامت مقامی انتصابی است و نصب امام حق خداوند است، همان‌طور که نبوت مقامی انتصابی است. اما اهل سنت معتقدند که امامت تنها از طریق نص شرعی تعیین نمی‌شود و مسلمانان می‌توانند امام و جانشین او را خود انتخاب کنند.

تا قرن بیستم بحث خاصی در این زمینه مطرح نبود، اما در صد سال اخیر در جهان اسلام و ایران دیدگاه‌های مختلفی به وجود آمده است. از جمله مسائلی مانند مشروطیت و استبداد در ایران، گفتمان انتخاب و انتصاب در امامت و رهبری، رابطه مهم مردم‌سالاری و اسلام در اندیشه شریعتی در کتاب "امت و امامت"، و نظریه امامت و رهبری در اندیشه استاد مطهری. همچنین نقد مردم‌سالاری در آغاز انقلاب اسلامی توسط شهید مطهری و مطرح شدن مردم‌سالاری در دهه‌های هشتاد و نود که به عنوان مردم‌سالاری دینی شناخته می‌شود. در مقابل این مردم‌سالاری دینی، مردم‌سالاری سکولار قرار دارد که جامعه غرب و بخشی از شرق به آن معتقد است. مردم‌سالاری دینی از مردم‌سالاری سکولار گرفته نشده و تفاوت‌های بنیادینی با آن دارد. معروف‌ترین تفاوت این است که مردم‌سالاری سکولار دارای خاستگاه اومانستی است، در حالی که مردم‌سالاری دینی تنها در قالب و بستر جهان‌بینی الهی قابل طرح است. لازم به ذکر است که مردم‌سالاری در سایر ادیان مانند یهودیت و مسیحیت نیز وجود دارد که در این ادیان به شیوه مردم‌سالاری سکولار است.

مردم‌سالاری دینی یکی از مباحث مهم در حوزه‌های کلامی، فلسفی و سیاسی است که به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری جمهوری اسلامی به‌عنوان یک نظام

مبتنی بر دین و مردم‌سالاری، مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. این نوع حکومت، ترکیبی از مشارکت عمومی و اصول دینی است که در آن، مردم در تعیین سرنوشت خویش نقش دارند و در عین حال، مبانی دینی و الهی بر سیاست‌ها و قوانین حکومت حکمفرماست. آثار امام علی (ع) به‌ویژه در نهج‌البلاغه، از مهم‌ترین منابع برای پژوهش در این زمینه به شمار می‌آید. ایشان به‌عنوان شخصیتی که هم به‌عنوان امام معصوم و هم به‌عنوان فرمانروای جامعه اسلامی شناخته می‌شود، نظرات دقیقی در باب حکومت، عدالت، و حقوق مردم ابراز کرده‌اند.

### پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه ارتباط دین و دموکراسی

**الف.** تطبیق مبانی دینی با اصول دموکراسی:

پژوهش‌هایی که در زمینه تطبیق مبانی دینی با اصول دموکراسی انجام شده است، به بررسی چگونگی هم‌زیستی این دو مفهوم پرداخته‌اند. محققانی چون سید حسین نصر و فرید العطاس به این نکته اشاره کرده‌اند که دین اسلام با اصول دموکراسی در تضاد نیست، بلکه می‌تواند در چارچوبی که به اصول و ارزش‌های دینی احترام گذاشته شود، با آن هم‌زیستی داشته باشد.

**ب.** تجربه جمهوری اسلامی به‌عنوان نمونه مردم‌سالاری دینی:

یکی از موضوعات مهم در این زمینه، بررسی تجربه جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نمونه‌ای از مردم‌سالاری دینی است. در این پژوهش‌ها به مبانی و اصول این نوع حکومت، از جمله نظارت فقیه بر امور حکومتی، و همچنین نقش مردم در انتخاب مسئولان و نمایندگان پرداخته شده است. آثار آیت‌الله خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

## مفهوم شناسی مردم سالاری دینی

**معنای لغوی:** مردم سالاری معادل لاتین دموکراسی<sup>۲</sup> و معادل یونانی آن مرکب از دو واژه دیموس<sup>۳</sup> به معنای توده‌ی مردم و کراتین<sup>۴</sup> به معنای حکومت است و دیموس کراتین یعنی حکومت به وسیله مردم.

فرهنگ دهخدا «دموکراسی» را به لحاظ لغوی به حکومت عامه، معنا می‌کند (دهخدا). واژه مردم سالاری - که به تازگی وارد فرهنگ سیاسی و اجتماعی ایران اسلامی گردیده - از نظر لغوی دارای معنایی روشن است و آن را حق حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی اجتماعی خود ذکر کرده‌اند. معادل لاتین مردم سالاری ((دموکراسی)) و معادل یونانی آن (دیموس کراتین) ۶ است (کوهن، ۱۳۷۳: ۲۱). فرهنگ دهخدا (دموکراسی) را به لحاظ لغوی به حکومت عامه، معنا می‌کند (دهخدا). در فرهنگ لغت آکسفورد نیز همین معنا برای دموکراسی ذکر شده است (فرهنگ آکسفورد). دانشنامه‌ی سیاسی نیز از دموکراسی به مردم سالاری تعبیر کرده است. آنتونی بلاستر در مورد معنای دموکراسی می‌گوید (برداشت رایج از معنای دموکراسی حکومت مردم و یا دست کم حکومت نمایندگان منتخب مردم است) (آشوری، ۱۳۸۱: ۱۵۷). آبراهام لینکلن نیز دموکراسی را (حکومت مردم به وسیله‌ی مردم و برای مردم می‌داند) (مظفری، ۱۳۷۹: ۱۵).

<sup>۲</sup> - democracy

<sup>۳</sup> - demos

<sup>۴</sup> - kratein«

۶- Democracy

۷- demoskratein

**معنای اصطلاحی:** در این قسمت با بیان معنای لغوی و اصطلاحی مردم سالاری و دین تفسیری واضح از معنای ترکیبی مردم سالاری دینی و معنای سالار بودن مردم بیان می شود.

### **مردم سالاری دینی در ایران باستان**

مردم سالاری در ایران باستان به ویژه در دوران هخامنشیان و ساسانیان نمودهای خاصی داشت. در این دوران، مفهوم حکومت برخلاف سلطنت مطلقه، شامل ایده‌هایی از مشورت و مشارکت مردم بود.

#### **هخامنشیان**

**شورای بزرگان:** در این دوره، شاهان هخامنشی به مشاوره با نجبا و بزرگان توجه داشتند. این شورا به عنوان یک نهاد مشورتی عمل می کرد و نظرات و پیشنهادات نمایندگان مختلف اقوام و مناطق مختلف را در نظر می گرفت.

**تنوع فرهنگی:** هخامنشیان با احترام به فرهنگ‌ها و سنت‌های مختلف، به اقوام اجازه می دادند تا در امور محلی خود مشارکت داشته باشند.

#### **ساسانیان**

**نظام اداری:** در دوره ساسانی، نظام اداری پیچیده‌ای شکل گرفت که در آن، مقام‌های محلی و ناحیه‌ای به نمایندگی از مردم عمل می کردند. این مقامات در تصمیم‌گیری‌های محلی نقش داشتند.

**مشارکت دینی:** دین زرتشتی نیز نقش مهمی در زندگی اجتماعی و سیاسی داشت و روحانیون در برخی موارد به عنوان مشاوران سیاسی عمل می کردند.

به طور کلی، اگرچه مردم‌سالاری به معنای امروزی در ایران باستان وجود نداشت، اما نهادها و رویه‌هایی برای مشارکت مردم و مشورت با آنان در تصمیم‌گیری‌ها وجود داشت که نشان‌دهنده نوعی از خودگردانی در این جوامع بود.

برادر شود پادشاهی و دین	چو بر دین کند شهریار آفرین
تو گویی که در زیر یک چادرند	چنان دین و شاهی به یکدیگرند
نه بی دین بود شهریاری به پای	نه بی تخت شاهی بود دین به جای
بر آورده پیش خرد تافته	دیای بر یکدگر بافته
نه بی دین بود شاه را آفرین	نه از پادشا بی‌نیاز است دین
بی‌نیاز دو انباز دیدیمشان نیک ساز	نه آن زین نه این دو زان بود
چو باشد خداوند رأی و خرد	دو گیتی همه مرد دینی برد
تو این هر دو را جز برادر مخوان	چو دین را بود پادشا پاسبان

در «عهد اردشیر»، منشور سیاسی اردشیر بابکان، چنین آمده است: آگاه باشید که هرگاه در کشوری یک سرداری دینی نهانی و یک شهریاری آشکار با هم سازگار نباشند، در نهایت سردار دینی آنچه را که در دست سردار پادشاهی است، از او خواهد گرفت؛ زیرا دین بنیاد است و پادشاهی ستون. کسی که بنیاد را در دست دارد، بهتر می‌تواند بر کسی که ستون را در اختیار دارد، چیره شود و همه بنا را به دست گیرد.

این اندیشه کهن پیوند دین و سیاست در ایران باستان تا زمان ظهور اسلام ادامه یافت. به سخنان بزرگان ایران در حضور خسرو پرویز توجه کنیم:

همه مهتران خواندند آفرین      که بی تاج و تخت مبادا زمین

بهی زان فراید که تو به کنی مه      آن شد به گیتی که تو مه کنی

که هم شاه و هم موبد و هم ردی      مگر بر زمین سایه ایزدی

چند سال بعد، یکی از موبدان به نام «رادوی» هنگام انقراض سلسله ساسانی به دست مسلمانان، رابطه دین و سیاست را به این صورت توضیح داد:

چنان دان که شاهی و پیغمبری      دو گوهر بود در یک انگشتری

پیوند دین و سیاست در متون مقدس زردشتی به این شکل ترسیم شده است:

در آیین بهی، پادشاهی و دین یکی هستند؛ بزرگی پادشاهی در بندگی دین مزدایی است و عظمت دین مزدایی در پادشاهی. سعادت و بهبود آفریدگان در این است که با اتحاد پادشاهی و به دینی، پادشاهی راستین به وجود آید و این پادشاهی راستین با دین بهی یکی شود (توفیقی، ۱۳۸۱: شماره ۱۴).

هگل فیلسوف آلمانی قرن نوزدهم نیز که برای عقلانی کردن تاریخ می کوشد، در این باره نوشت: پس دین و دولت دارای اصلی مشترک هستند. دین نه چیزی است که به صورت جداگانه از دولت ظاهر شود و شیوه کار دولت و رفتار اجتماعی افراد را برونی از آن تعیین کند؛ بلکه اصلی بنیادی و درونی است که درون دولت یا کشور، خود را حضور و نفوذ می بخشد. به، دین باید به مردم از طریق تربیت آموخته شود و همواره در آنان پرورانده شود، همچنین همانطور که دانش و هنر به آنان از طریق آموزش یاد داده می شود. اما رابطه بین دین و دولت نباید به گونه‌ای تعبیر شود که دین به عنوان عنصری مکمل بر دولت پس از تاسیس جامعه سیاسی اضافه شود. به جای آن، معنای این رابطه همانطور که پیشتر ذکر شده، این است که

دین و دولت از یک اصل مشترک خاص برخاسته‌اند و اگر کشوری زندگی سیاسی، هنری و علمی دارد، همه اینها به برکت دین است (توفیقی، ۱۳۸۱: شماره ۱۴).  
همبستگی دین و دولت تا قبل از پادشاهی لهراسب و گشتاسپ کم رنگ بود و در روابط زیر دستان با شاه تاثیر کمی داشت و همچون تکیه گاه و نیرویی برای آنان بود مثل آنکه هجیر هنگام نبرد به نام خدا و به بخت شاه جنگ میکرد:

هجیر دلاور به کردار شیر به روی سپهرم در آمد دلیر

به نام جهان آفرین کردگار به بخت جهان دار با شهریار

یکی تیغ زد بر سروترگ اوی که آمد هم اندر زمان مرگ اوی.<sup>۷</sup>

نه بی تخت شاهی بود دین به پای نه بی دین بود پادشاهی به جایی

مبارزه در تاریخ ایران باستان علیه ضحاک و پادشاهان دیکتاتور مثل کاوه و فریدون، عدالت خواهی و ظلم ستیزی در شاهنامه:

در دیدگاه فردوسی، داد به عنوان پایه‌ای برای سعادت و بهروزی جوامع انسانی در نظر گرفته می‌شود و به عنوان مهمترین وسیله‌ای برای نجات فرزندان آدم از هرگونه پلیدی و نابودی تلقی می‌شود.<sup>۸</sup>

به عقیده این شاعر بزرگ، خداوند از بندگان خود جز اهدای داد و محبت به هموطنان، چیزی را نمی‌خواهد.

<sup>۷</sup> . مقاله همبستگی دین و دولت (دین سالاری) در شاهنامه فردوسی دکتر عزیزالله جوینی و تیمور

المیردر مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران تابستان ۱۳۸۰

<sup>۸</sup> . همان

خداوند کیوان و گردان سپهر زبنده نخواهد به جز داد و مهر  
چرا که اگر عدل به عنوان ستون حکمرانی در جوامع انسانی قرار گیرد و عدالت  
اجتماعی به واقعیت درآید، تمامی خیرها، برکات، نعمت‌ها، آبادی، فراوانی زندگی،  
آرامش و صلح برای انسان فراهم خواهد شد. اما اگر ستمگری در دادگری و مردمی  
شود، سوء روزها، فقر، و فساد بر جوامعی که زیر بار ستم قرار گرفته و به ظلم و ستم  
کمک کرده‌اند، حاکم خواهد شد و زمان به آن‌ها سختی خواهد داد. سرانجام، ظلم  
مانند آتشی شدید، خرمن هستی این‌گونه افراد را می‌سوزاند و با اصل وجودشان به تله  
می‌کشد. در جایی از شاهنامه به نقل از اردشیر بابک خطاب به پسرش نکته‌ای را گوشزد  
می‌کند تحت عنوان جدایی دین از سیاست: همبستگی دین و دولت در عرصه داخلی نیز  
مشکلاتی پیش می‌آورد مثل آنکه اردشیر بابک در باب اهمیت و لزوم همبستگی دین و دولت  
به فرزند گش شاپور پندها داد آنگاه این سخن را گفت:

نباید که باشی فراوان سخن بروی کسان پارسایی مکن

که از عوارض پیوند دین و دولت است چون وقتی این دو به هم بسته باشند بسیاری از  
بی‌دینان به ریا اظهار پارسایی میکنند و بدان وسیله ممکن است به مراتبی نیز دست یابند  
بدون داشتن شایستگی آن، که باعث تباهی کارها و حتی دین می‌شود.<sup>۹</sup>  
دودمان ساسانیان سیاست کشوری خود را بر اساس اصول مذهبی بنیان نهادند. اردشیر  
بابکان، بنیان‌گذار دودمان ساسانیان، خود از خانواده‌ای روحانی بود که به سلطنت رسید.  
وی از یک سو به دلیل علاقه به مذهب زرتشتی و از سوی دیگر به خاطر نیاز به یک

۹. همان

پایه اعتقادی برای سیاست کشوری که در آن زمان ضروری بود، به احیا، گسترش و تقویت مذهب زرتشتی پرداخت. اردشیر دستور داد کتاب مقدس زردشتیان، اوستا، را تدوین و به نظم بندی برسانند، سازمان‌دهی منظم روحانیان را فراهم آورد و در نتیجه، روحانیان زردشتی به دارایی بی‌سابقه‌ای در قلمرو قدرت تبدیل شدند.

آقای دکتر محمدمعین در کتاب مزدیسنا وادب پارسی می‌گوید:

((پس از انقراض سلسله اشکانی نوبت پادشاهی به اردشیر بابکان (۲۲۶-۲۴۱ میلادی) سر دودمان ساسانی رسید. ظهور وی دیاچه کتاب سعادت ایران به شمار می‌رود. ملت ایران از پرتو کوشش‌های او رونقی مخصوص یافت! این پادشاه بنیان حکومت خود را بر پایه آیین مزدیسنا گذاشت و علاقه‌اش به دین را از پدر بزرگ خود، ساسان که در استخر معبد ناهید (آناهیت) متولی بود، به ارث برده بود. اردشیر با تلاش ویژه‌ای در احیای آیین باستانی کوشید. او آتشکده را به عنوان نماد ملی بر روی سکه‌ها معرفی کرد و خود را در کتیبه‌ها به عنوان "مزدیسنا" یعنی ستاینده مزدا نامید. فردوسی در شاهنامه، در اندرزهای خود به پسرش شاپور، این مسأله را به طور خلاصه آورده است و درباره دینداری و ارتباط پادشاه با روحانیت در آن زمان توضیح داده است.

چنان دین و دولت به یکدیگرند تو گویی که در زیر یک چادرنند

نه بی تخت شاهی بود دین به پای نه بی دین بود شهریاری به جای.<sup>۱۰</sup>

<sup>۱۰</sup>. مجموعه آثار شهید مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۱۵۶.

## مبانی نظری مردم‌سالاری دینی در اسلام

بسیاری از پژوهش‌ها در زمینه مردم‌سالاری دینی بر مبانی و اصول این نوع حکومت تمرکز کرده‌اند. محققانی چون احمد واعظی، مصطفی ملکیان و سید محمد خاتمی به بررسی رابطه دین و دموکراسی از دیدگاه‌های مختلف پرداخته‌اند. در این پژوهش‌ها، به این نکته اشاره شده است که مردم‌سالاری دینی در تلاش است تا از یک سو مشارکت مردم در حکومت را به رسمیت بشناسد و از سوی دیگر، ارزش‌های دینی را در تنظیم قوانین و سیاست‌ها اعمال کند.

### مردم‌سالاری دینی در آثار اندیشمندان اسلامی:

یکی از پژوهش‌های مهم در این زمینه، آثار شهید مطهری است که در کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» به تبیین رابطه بین حقوق فردی و جمعی در چارچوب اسلام پرداخته است. ایشان تأکید می‌کند که در یک حکومت اسلامی، مردم باید در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های حکومتی نقش داشته باشند، اما این مشارکت باید در چارچوب اصول و ارزش‌های اسلامی باشد.

### نهج‌البلاغه و اندیشه سیاسی امام علی (ع):

نهج‌البلاغه یکی از مهم‌ترین منابع برای بررسی اندیشه سیاسی امام علی (ع) است. در خطبه‌ها و نامه‌های ایشان، به اصولی همچون عدالت، حقوق مردم، نظارت عمومی بر حاکمان و مسئولیت‌پذیری حاکمان در برابر جامعه اشاره شده است. پژوهشگران متعددی از جمله علی شریعتی، محمدرضا حکیمی و مهدی حائری یزدی به تحلیل و بررسی این مضامین در نهج‌البلاغه پرداخته‌اند.

### عدالت و حقوق مردم در حکومت از دیدگاه نهج البلاغه:

یکی از مباحث کلیدی در نهج البلاغه، عدالت است که امام علی (ع) بر آن تاکید فراوان دارد. ایشان در خطبه‌های خود به حقوق مردم اشاره کرده و بیان می‌کند که حاکمان موظفند تا با رعایت عدالت و انصاف، از حقوق مردم حراست کنند. در این زمینه، آثار متعددی نگاشته شده است؛ از جمله پژوهش‌های علامه جعفری که به تحلیل عمیق مفهوم عدالت در نهج البلاغه پرداخته است.

### مشارکت مردم در حکومت از دیدگاه امام علی (ع):

امام علی (ع) در نهج البلاغه بارها به اهمیت مشارکت مردم در حکومت اشاره کرده‌اند. ایشان در نامه‌های خود به فرمانداران، لزوم مشورت با مردم و احترام به نظرات آنان را گوشزد می‌کنند. این موضوع در آثار علامه طباطبایی و محمد حسین فضل‌الله نیز مورد توجه قرار گرفته است و ایشان به‌ویژه بر نقش مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خود تاکید کرده‌اند.

### شاخصه‌های مردم‌سالاری دینی در نهج البلاغه

تأمل در الگوها و مدل‌های ارائه شده از دموکراسی در ابتدا بیانگر این نکته است که دموکراسی و روش‌های دموکراتیک یکسان نیستند و می‌توانند تجلیات مختلف و متنوعی داشته باشند. به عنوان مثال، در کتاب "مدل‌های دموکراسی"، دیوید هلد تحقیقی دقیق و منظم درباره انواع شکل‌های به وجود آمده از دموکراسی ارائه کرده است. مدل‌ها و تقسیم‌بندی‌های یازده‌گانه‌ی وی از دموکراسی به شرح زیر است:

۱- دموکراسی کلاسیک:

۲- دموکراسی حمایتی:

۳-دمو کراسی تکاملی رادیکال:

۴-دمو کراسی تکاملی:

۵-دمو کراسی مستقیم مارکسیستی:

۶-دمو کراسی نخبه گرای رقابتی:

۷-دمو کراسی تکثر گرایانه:

۸-دمو کراسی حقوقی:

۹-دمو کراسی مشارکتی:

۱۰-دمو کراسی خودمختار:

۱۱-دمو کراسی (فراگیر)جهانی:

### رابطه‌ی دموکراسی و دین

به منظور روشن شدن معنا و مفهوم مردم سالاری دینی، لازم است انواع رابطه‌ی دین و

دموکراسی بررسی شود. به طور کلی سه نظریه در این مورد وجود دارد:

۱-اعتقاد به ناسازگاری دین با دموکراسی

۲-اعتقاد به سازگاری دین با دموکراسی

۳-سازگاری مشروط

## مردم سالاری دینی در نهج البلاغه

### حاکمیت توحید

در نهج البلاغه، حاکمیت توحید به عنوان اصلی بنیادین در مردم سالاری دینی مطرح شده است. در ادامه به برخی از جنبه‌های این موضوع از دیدگاه امام علی (ع) می‌پردازیم:

#### ۱. توحید و عدالت

توحید به عنوان محور اصلی جهان‌بینی اسلامی، عدالت را تقویت می‌کند. امام علی (ع) تأکید دارد که عدالت باید بر پایه توحید و یگانگی خداوند باشد، زیرا این اصل مانع از فساد و خودکامگی می‌شود.

#### ۲. رهبری بر اساس تقوا

حاکمیت توحید مستلزم رهبری بر پایه تقوا و ایمان است. امام علی (ع) معتقد است که رهبران باید خداوند را در همه امور ناظر بدانند و بر اساس تقوا و عدالت عمل کنند.

#### ۳. پرورش اخلاقی جامعه

توحید به پرورش اخلاقی جامعه کمک می‌کند. امام علی (ع) بر این باور است که اعتقاد به یگانگی خداوند، موجب تقویت ارزش‌های اخلاقی و انسانی در جامعه می‌شود و از انحرافات جلوگیری می‌کند.

#### ۴. مبارزه با شرک و طاغوت

امام علی (ع) در نهج البلاغه به مبارزه با شرک و طاغوت تأکید دارد. او معتقد است که حاکمیت توحید، مستلزم مقابله با هرگونه طغیان و استبداد است و باید ارزش‌های دینی حفظ شوند.

#### ۵. نقش مردم در حکومت دینی

توحید، مردم را به عنوان خلیفه خداوند بر زمین معرفی می‌کند. امام علی (ع) معتقد است که مردم باید در حکومت دینی نقش فعال و مؤثر داشته باشند و این نقش بر اساس تعهد به اصول توحیدی استوار باشد.

### نتیجه‌گیری

در حکومت اسلامی در دوران امامان معصوم، ولایت آنان به نصب و از جانب خداوند است و مردم نقشی در تعیین آنان ندارند، اما با پذیرش اصل بیعت، به خواست مردم توجه شده‌است و هیچ‌گونه تحمیلی وجود ندارد همان‌طوری که در اصل پذیرش دین، مردم آزادند، در پذیرش حاکم منصوب نیز مختار می‌باشند. البته تذکر این نکته ضروری است که از لحاظ حقوقی، دین، این حق را برای جامعه قائل شده که با اختیار خودشان هرراهی را خواستند، انتخاب کنند. با پذیرش اصل شورا، مردم و نخبگان را در تصمیم‌گیری‌ها سهیم کرده‌است و این حق را به جامعه داده‌است. با محدود شدن ولایت با حوزه‌ی عمومی، اجازه دخالت در زندگی خصوصی مردم را از حاکم سلب کرده‌است. بنابراین آزادی مردم در مسائل خصوصی اعم از افکار و عقاید و روش زندگی، محترم شمرده شده و کسی حق دخالت در آن ندارد. به‌این ترتیب می‌توان مدعی شد، حکومت دینی کاملاً مردمی است که در حد اعلا‌ی خود به انسان و کرامت‌های ذاتی او توجه کرده‌است.

قوانین ابداعی ایرانیان در عرصه زندگی اجتماعی و حکومت و حکومتداری مانند: منشور حقوق بشر کورش، عاداتت هلو پادشاه ایلامی و زنجیر عدالت انوشیروان... در تاریخ جهان شناخته شده‌است. مردم‌سالاری در ایران باستان به ویژه در دوران تاریخی (هخامنشی، اشکانی، ساسانی) نمودهای خاصی داشت. در این دوران، مفهوم

حکومت برخلاف سلطنت مطلقه، شامل ایده‌هایی از مشورت و مشارکت مردم بود. در دیدگاه فردوسی، داد به عنوان پایه‌ای برای سعادت و بهروزی جوامع انسانی در نظر گرفته می‌شود و به عنوان مهمترین وسیله‌ای برای نجات فرزندان آدم از هرگونه پلیدی و نابودی تلقی می‌شود. به عقیده این شاعر بزرگ، خداوند از بندگان خود جز اهدای داد و محبت به هموطنان، چیزی را نمی‌خواهد. ساسانیان سیاست کشوری خود را بر اساس اصول مذهبی بنیان نهادند. اردشیر بابکان، بنیان‌گذار دودمان ساسانیان، خود از خانواده‌ای روحانی بود که به سلطنت رسید. مسئله عدالت در دوره انوشیروان با توجه به شرایط اجتماعی آن دوره مورد توجه بوده است.

### منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه مولا علی (ع)
۳. «نهج البلاغه امام علی علیه‌السلام»، گردآوری سید شریف رضی، ترجمه علامه جعفری، ۱۳۸۰، به اهتمام علی جعفری، تهران: مؤسسه تدوین و آثار علامه جعفری و دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴. ابن ابی الحدید. (بی تا). شرح نهج البلاغه. چاپ اول. مصر: مطبعة الحلبي.
۵. ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، م ۳۴۶هـ.
۶. ابوجعفر محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، م ۳۱۰.
۷. اخلاق اسلامی در نهج البلاغه (خطبه متقین) ایت الله مکارم شیرازی، گردآوری اکبر خادم الذاکرین، ناشر، مطبوعاتی هدف، قم، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۱ ش.
۸. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، چاپ هشتم، تهران، مروارید، ۱۳۸۱.
۹. انصاری، شیخ مرتضی، المکاسب، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۰ق، ج ۶.
۱۰. ایت الله میرزا محمد حسین نائینی، تنبیه الامه و تنزیه المله، تهران، شرکت سهامی انتشار، بی تا.

۱۱. بحار الانوار، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ه ق و چاپ تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۶ ق.
۱۲. تفسیر المحيط الاعظم و البحر الخضم فی تاویل کتاب الله العزیز المحکم، سید حیدر آملی، تصحیح سید محسن موسوی تبریزی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۲۲ ه ق.
۱۳. جمهور افلاطون، ترجمه فواد روحانی، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۴ ش
۱۴. حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۴۲ ش.
۱۵. حکمت و حکومت، مهدی حائری یزدی، انگلستان ۱۹۹۵ م.
۱۶. خوئی، ابوالقاسم، صراط النجاه فی اجوبه الاستفتائات، قم، مکتب نشر المنتخب، ۱۴۱۶ ق.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۱.
۱۸. دینوری، احمد بن داوود. (۱۳۷۳ ش). الاخبار الطوال. انتشارات شریف رضی.
۱۹. دیوان اشعار، غروی اصفهانی، شیخ محمد حسین، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۲.
۲۰. روح القوانین، منتسکیو، ترجمه علی اکبر مهتدی، انتشارات امیر کبیر، چاپ هفتم، ۱۳۶۲ ش.
۲۱. سبحانی، جعفر، فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، موسسه امام صادق، قم ۷۱۳۸۳.
۲۲. سیاست ارسطو، ترجمه حمید عنایت، انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۴۹ ش.
۲۳. سیاست مدینه، ابو نصر محمد فارابی، ترجمه، سید جعفر سجادی، انتشارات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، تهران ۱۳۷۹ ش.
۲۴. سید قطب، عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه، محمدعلی گرامی و سید هادی خسروشاهی، نشر کلبه شروق، چاپ بیست و پنجم، تهران ۱۳۷۹ ش و ۱۴۲۱ ق.

۲۵. شرح نهج البلاغه اب ابی الحديد، ترجمه، دکتر محمود مهدوی دامغانی، انتشارات، نشرنی، چاپ سوم ۱۳۷۹، تهران.
۲۶. شریعتی، محمد تقی، خلافت و ولایت از نظر قران و سنت، موسسه اسلامی حسینیّه ارشاد، چاپخانه حیدری، تهران، ۱۳۵۱.
۲۷. شوشتری، نورالله بن شریف الدین، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ناشر، مکتبه ایت الله المرعشی العامه، قم، ۱۴۰۴ ق.
۲۸. شیخ مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان، اوائل المقالات فی مذاهب و المختارات، ترجمه، طاهره عظیم زاده تهرانی، صدیقه اشرف، انتشارات، سخن گستر، چاپ اول، ۱۳۹۰
۲۹. شیعه، علامه محمد حسین طباطبایی، گفتگوی با پروفیسور هانری کربن، به کوشش سید هادی خسرو شاهی، انتشارات بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۹۰.
۳۰. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، موسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
۳۱. قرارداد اجتماعی، ژان ژاک روسو، ترجمه مرتضی کلانتریان، انتشارات آگاه، تهران، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۹ ش.
۳۲. کربلایی پازوکی، علی، مردم سالاری در نهج البلاغه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۸.
۳۳. الکلمات المکنونه، محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، تصحیح صادق حسن زاده، مطبوعات دینی، قم، ۱۳۸۶.
۳۴. کلیات سعدی، ابو عبد الله مشرف بن مصلح سعدی شیرازی، به اهتمام محمد علی فروغی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۳۶. کوهن، کارل، دموکراسی، ترجمه‌ی فریرز مجیدی، تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۳۷. گلشن راز، شیخ محمود شبستری، تصحیح حسین محیی‌الدین الهی قمشه‌ای، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲.
۳۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ه ق). بحارالانوار (چاپ دوم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۹. مجموعه آثار شهید مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۱۵۶.
۴۰. محقق اردبیلی، احمد، مجمع الفائده والبرهان، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۷۱.
۴۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۴، بخش امامت، انتشارات صدرا، چاپ چهارم، فروردین ۱۳۷۷ه ش.
۴۲. مزدیسنا و ادب پارسی، چاپ دوم، ص ۹-۱۲.
۴۳. مصباح الهدایه الی الخلافه والولایه، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۱.
۴۴. مقدمه ابن خلدون، عبدالرحمن بن خلدون، ترجمه، محمد پروین گنابادی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۶۶ش.
۴۵. نهج البلاغه حضرت امیر امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، گردآوری سید شریف رضی، ترجمه محمد دشتی، ۱۳۷۹، چاپ هفتم، قم: نشر مشرکین.
۴۶. ولایت فقیه، روح الله موسوی خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۴۷. همدانی، رضا، مصباح الفقیه، قم، دارالفکر، ۱۳۸۱ش.
- ۴۸.

## مقالات:

۱. مقاله؛ عدالت جویی و ظلم ستیزی فردوسی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد شماره سوم و چهارم نویسنده رزمجو حسین پاییز و زمستان ۱۳۶۸ شماره‌های ۸۶ و ۸۷

۲. مقاله دین و دولت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، هفت آسمان، شماره ۱۴، ۱۳۸۱، حسین توفیقی .
۳. مقاله همبستگی دین و دولت (دین سالاری) در شاهنامه فردوسی دکتر عزیزالله جوینی و تیمور المیردر مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران تابستان ۱۳۸۰.
۴. مقاله، مردم سالاری دینی در سیره سیاسی و حکومت امام علی علیه سلام نویسندگان: بخشایش اردستانی، احمد؛ دشتی، فرزانه نشریه (فصلنامه ، علمی پژوهشی مطالعات راهبردی بسیج: بهار ۱۳۹۲ شماره ۵۸.
۵. کوهن کارل، دموکراسی، ترجمه فربرز مجیدی، نشر خوارزمی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۲۱.
۶. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تحت مدخل دموکراسی .
۷. آشوری، داریوش، دانش نامه سیاسی، تهران، مروارید، چاپ هشتم، ۱۳۸۱، ص ۱۵۷.
۸. آربلاستر، آنتونی، دموکراسی، ترجمه ی حسن مظفری، تهران، انتشارات آشتیان، ۱۳۷۹، ص ۱۵
۹. مقاله دین و دولت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، هفت آسمان، شماره ۱۴، ۱۳۸۱، حسین توفیقی
۱۰. هفت آسمان، شماره ۱۴، ۱۳۸۱، حسین توفیقی.